

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه اول خرداد ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
 ۲ - بقیه شور اول لایحه تعلیمات عمومی  
 ۳ - سؤال آقای نقابت و جواب آقای وزیر پیشه و هنر بازرگانی  
 راجع به معامله چوب  
 ۸ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( مجلس دو ساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۹ اردی بهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

## ۱ - تصویب صورت مجلس

که احترام مجلس را حفظ کند بنده می بینم که عده کافی است و به بنده میگویند اکثریت حاصل است ولی بعد که جلسه تشکیل میشود معلوم میشود یک عده از آقایان آمده اند و اسمشان جز، حاضرین نوشته شده دو مرتبه رفته اند. ( انوار - اسمشان را بفرمائید ) فعلاً بنده اسمی آن آقایان را نمیگویم ولی بعد از این اسمی آقایانیکه غایب میشوند خواهم گفت و راجع بجزیمه شان هم خودم ایستادگی خواهم کرد و جریمه خواهند شد (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - عده برای رأی کافی نیست در اینموقع (دو ساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر) چون عده برای رأی کافی نبود در اثر خروج آقای رئیس از مجلس جلسه تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید. رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد. عرض کنم بعقیده بنده و میدانم که عقیده آقایان هم برخلاف این عقیده نیست که مجلس شورای ملی خیلی محترم است و احترام مجلس را هم اول باید آقایان نمایندگان حفظ کنند وقتی که نمایندگان احترام مجلس را حفظ نکنند از هیچ جا نباید توقع داشت

## ۲ - بقیه شور اول لایحه تعلیمات عمومی

رئیس - لایحه تعلیمات عمومی مطرح است. ماده اول: ماده اول - دولت مکلف است از سال ۱۳۲۲ تا مدت ده

عین مذاکرات مشروح بکصد و شصت و سومین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائب با اجازه - آقایان : فاطمی - شهابنیک - نمازی - جهانشاهی - جلیلی .  
 غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر سبعمی - تولیت - سزاوار - گودرز نیا - مشیردوانی - شجاع - اکبر - حمزه تاش - مهذب - جلائی - دبستانی - سلطانی - صادق وزیری - آزادی - مسعودی - کامل ماکو .  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : مسعودی خراسانی - لبقوانی - نیکیور - خسروشاهی - امامی .

سال تعلیمات (آموزش و پرورش) ابتدائی را در تمام کشور بتدریج عمومی و اجباری سازد.

**رئیس** - عده از آقایان در ورقه اسم نوشته اند. آقای طباطبائی.

**طباطبائی** - در ماده اول بنده خواستم استفاده کنم باز يك مقدار خیلی کم راجع بکلیات این لایحه خاطر محترم آقایان را جلب کنم. ملاحظه فرمودید عرایضی که بنده در جلسه پیش عرض کردم بقدری ریش مشکل بود که آقای وزیر فرهنگ وارد مطالب دیگری شدند رفتند بسمت خط آهن و گویا اینطور میخواستند استدلال بفرمایند چون خط آهن يك مسئله مشکلی بود چندسال هم اتمام و ساختمانش وقت میخواست او که انجام شد پس اینکار هم مثل آن ممکن است انجام شود اولاً بنده نگفتم که اینکار عملی نیست و نگفتم که مجال است بلکه بنده مطابق قوانین مصوبه استدلال کردم که سی سال سی و یکسال قبل از این اجازه بدولت داده شده که تعلیمات ابتدائی و عمومی و اجباری را انجام بدهد و بعضی از این مسائل که اینجا پیش بینی شده الآن خود آقا در عمل هستند و تصدیق میفرمایند که تحصیل حاصل است. عرض کردم بجای اینکه ما بخواهیم یکسنگ بزرگتری را برداریم و مردم را در اینموقع مبتلا کنیم بهتر است که شما نواقص فعلی مدارس و امر تعلیم و تربیت را رفع کنید و اگر يك روزی انشاء الله رسیدیم بیک مرحله که تمام داوطلبان تحصیل را ما جمع آوری کردیم در مرکز و ایالات و ولایات و یکمده ماندند که آنها نیامدند آن وقت البته قانون هست و اگر هم لازم شد تجدید قانون بشود باز هم مجلس مهیا است این بحث و ایرادی بود که بنده داشتم و دارم و در نواقص و معایبی که در کار شما و اوضاع فرهنگ مملکت هست خیال نمیکنم این مطالب قابل تردید و مطالعه باشد خود آقا بهتر مستحضر هستید از کارهای معارفی که مدارس ما چه میکنند و وقت اطفال و محصلین در ظرف سال چطور تلف میشود مضافاً باینکه من متأسف شدم که آقا خواستند بگویند که مثل خط آهن ما میخواستیم نتیجه بگیریم خدا نکند مثل خط آهن باشد از کجا معلوم شد که

به نفع مملکت از آن استفاده شود ملاحظه فرمودید يك ملتی نیست و گدا شد و يك خط آهنی ساخته شد و وقتیکه ساخته شد نتیجه چه شد؟ همین که ملاحظه میکنید اگر حالا خدای نخواستہ بخواهید تعلیمات عمومی هم همین راه را طی کند و بضرر مملکت تمام شود که مایه تأسف است بعلاوه خط آهن برای مملکت لازم بوده است اگر این پول را نصف این پول را صرف میکردند و تمام خطوط این مملکت را شوسه میکردند و اسفالت میساختند با این پول سنگینی که در خط آهن ما ریختیم ممکن بود که علاوه بر دائر کردن و ساختن تمام راهها يك کارخانه اتومبیل سازی در مملکت دائر کنیم که لااقل بتواند اسبابها و لوازم يد کی اتومبیل برای ما فراهم کند که با وسائط امروزه مطلبی را که من خواستم مجلس شورای ملی و آقایان محترم توجه بفرمایند این است که واقعا اگر ما اوضاع معارف را برفع مدارس و برفع تعلیم و تعلم اصلاح بکنیم بهیچوجه احتیاجی بد تعلیمات اجباری و این لایحه و اذیت کردن مردم و بازوسيله دادن بدست مأمورین به این بهانه در ولایات و قسراء و قصبات و استفاده های نامشروع نخواهیم داشت ملاحظه بفرمائید شما باید توجه کنید استعداد مردم و استعداد ملت را و آن استعداد را تقویت کنید از راههای بهتر و سهلتر اگر الآن بنده بگویم که دانشکده فنی را برود منحل کنید تا بلویش را بردارید و درس را به بندید مثل آنروز که شنیدم آقای انتظام در جواب این که من گفتم این پولها را بعنوان حق التالیف دور نریزید گفتند و اینطور تعبیر کردند که من با کثات مخالفم حالا هم خواهید فرمود که بنده بامدرسه مخالفم در صورتیکه اینطور نیست و عمل فعلی ایجاب میکند که این مطالب گفته شود الآن صحبت از مهندسین بود شما آقا وقتی نمیتوانید حق مهندسین را بهشان بدهید وقتی که نمیتوانید مهندس داشته باشید و نمیتوانید از وجود مهندس استفاده کنید بهتر نیست که شما اصلاً کارخانه مهندس سازی نداشته باشید؟ شما مهندس را فرستادید و پارفتند تحصیل کردند و آمدند حالا که تحصیل کرده و وارد این مملکت شده چه کارش میکنید؟ می آورید میگذارید زیر دست من بنده يك عضوی هستم اداری ده سال پانزده سال در يك اداره بوده ام هر دو سال

سه سال هم يك رتبه ای گرفته ام حالا رتبه هفت یا هشت هستم رتبه هفت یا هشت داشتم غیر از تحصیل است غیر از فن است اینک صحبت میشود که مهندسین حقشان را میخواهند بنده يك وقت باقانون استخدام مهندسین مخالف بودم برای اینکه طبقه تحصیل کرده و فهمیده چه احتیاجی با استخدام دولتی دارند آنها باید کار آزاد بکنند و زیر قید استخدام دولتی نباشند آقا يك مهندس شیمی را میگذارید زیر دست يك ثبات يك مهندس ساختمان را میگذارید زیر دست يك رئیس برزن مثلاً يك رئیس برزن آقا او بنویس است او رتبه خدمت اداری دارد ولی مهندس فن و تخصص دارد آخر او که زبان این را نمیفهمد درد این جا است اشکال در همین است. آقا شما وقتی میتوانید پای مالک متمدن راه بروید و آنچه آنها دارند شما هم داشته باشید که مملکت را بتوانید انشاء الله مستعد کنید برای زندگی معاصر ولی وقتی که متأسفانه وضع این مملکت اینطور است فایده ندارد این کارها را بکنید يك عده کارخانه وارد شده است در این مملکت بنده در این چند روز يك قدری تحقیق کردم از کارخانه های شمال شم هم تحقیق بکنید به بینید که این کارخانه ها بچه حال اسفنا کی افتاده است به بینید چه میکنند در یکی از کارخانه های برنج (بنده درست اطلاعات فنی ندارم آقایان نمایندگن گیلان شاید خوب اطلاع داشته باشند) در آن کارخانه برنج يك قپان بوده است که آن قپان معین میکند که این برنج وقتی که سیر فنی خودش را کارخانه کرد و وقتیکه از پوست و جلد در آمد چقدر پوست داشته است و چقدر برنج خالص است این را آن قپان معین میکند البته مال خارجه است و ساخت ما نیست و دقیق است و حساس است بالاخره يك کار حساس و صحیح آن کارخانه همان قپان است این قپان در کار آن کارخانه مهم است یعنی بالاخره دزد بگیر است این را از شهر یور باینطرف معلقش کرده اند (خنده نمایندگان) چون این قپان معین میکرده است که چقدر شلتوك وارد شده است و چقدر پوست برنج در آمده و حاصل برنج چقدر است (نبیل سمعی - تبعیدش کرده اند) خوب از کارخانه تبعیدش هم کرده اند این کار را کی کرده؟ این را رؤساء و مأمورین اداری کرده اند و این مهندس هم که آنجا بوده است چون مغل بوده است برای آنها اورا هم

فرستاده اند دنبال نخود سیاه پس آقا با این ترتیب و این گرفتاری که در این مملکت هست امثال طبقه مهندس و معلمین عالی رتبه که در این مملکت هست شما نمیتوانید از وجودش استفاده کنید. بنده پریروز این جا عرض کردم فلان مرد د کتر در روانشناسی است نوی خط آهن است چرا؟ برای اینکه شما نمیتوانید از او استفاده کنید حالا که ما استعداد استفاده نداریم همین ها که هستند بس است خود آقا د کتر در ادبیات هستند بس است د کتر در ادبیات آخر آقا صرف لایحه آوردن و گفتن که مملکت تعلیمات اجباری دارد مملکت تعلیمات اجباری پیدا کرد؟ اینکه دردی را دوا نمیکند من آنروز گفتم که این همه تعریفی که از وزارت کشاورزی میکنید دیگر مملکت بهشت شد آقا ای اعتبار از بنده بدش آمد این مطالبی که اینجا گفته میشود در دهائی است که خود آقایان چون در عمل هستید بهتر از ما میکانید اما چون متصدی کار هستید چون وزیر هستید میآئید اینجا برخلاف وجدان و برخلاف عقیده خودتان مدافع میکنید خود آقا پریروز تشریف آوردید همه جور مطالبی گفتید غیر از آنچه آن مطالبی که من گفتم دو کلمه جواب بدهید ورد کنید شما خودتان میدانید پولهایی که داده شده است باسم حق التالیف این پانزده میلیون پول این مملکت مخصوصاً در این یکی دو ساله اخیر در کجاها مصرف شده است من توی روزنامه دیدم که منقلب کرده اند حرفهای مرا و طور دیگر نوشته اند نوشته بودند که اگر میخواهید من بیایم بگویم اگر من میدانستم که میگفتم من گفتم بمن اجازه بدهید (چون دیدم آقا استادگی کردید) مجلس به من مأموریت بدهد من بر دم در محل خودش تحقیق کنم و آنوقت بخوبی معلوم خواهد شد که این پولهایی که در این ده پانزده ساله اخیر دور ریخته اید و باشخاص به ناحق پولهای عجیب و غریبی داده اید چه جور بوده است عرض کنم بلی حق التالیف باینصورت که نمیشود شما پول را بدهید ببرند بخورند و يك چیزهای بی معنی و بی رویه منتشر شود که ابداً بدرد این مملکت نمیک خورد البته يك چیزهایی هم گاهی منتشر میشود که خیلی خوب است. حالا اگر من باز مطالبی را بگویم در خارج میروند يك حرفهایی میزنند آقا شانزده هزار تومان

شما میدهید که بروند پنج، شش جلد امثله بنویسد خوب اینها که چاپ شده یک نفر از آقایان اینجا هست که ادعا بکند دوساعت وقت صرف کرده است اقلانرا بخواند اینها بچه درد میخورد؛ اینها را بریزید دور مملکتی که اطفالش در کوزهها سرگردان است شما معلم ندارید و اگر دارید کرسنه است این چیزها بچه درد میخورد؛ به يك معلم شما بیست تومان حقوق میدهید يك پاسبان امروز با کمتر از صد و بیست تومان نمیتواند زندگی کند آنوقت شما يك معلم را میآورید که بر روی رتبه يك با دو بگیر آنوقت به يك مهندس صد تومان یادوست تومان میدهید با این وضع میشود با این مبلغ زندگی کرد؛ این کسی که حاضر بشود با این مبلغ برای شما کار کند این مهندس است؛ اگر قبول کند فعله هم نیست! (انوار - ماده اول تمام نشد؟) گوش بکن آقا الان به بنده یادداشتی داده شده که وزارت فرهنگ یعنی دولت عوض اینکه بچهها را جمع بکند عوض اینکه بچهها را تعلیم بدهد میرود چه کار میکند؛ مدرسه روزنامه نویسی و کلاس روزنامه نویسی درست میکند. بنده اطلاع دارم که مبالغی هم باین بهانه پول دور ریخته شد از آنطرف مدرسه روزنامه نویسی درست میکنند از طرف دیگر بیست تا روزنامه را توقیف میکنند از يك طرف روزنامه را نوی سرش میزنید و از آن سمت قانون میآورید که میخواهیم روزنامه نویس با کفایت باشد با سرمایه باشد شایسته باشد با اخلاق و لیاقت باشد و از طرف دیگر وزارت فرهنگ یکمرتبه بیست تایی آنها را دور میریزد آقا این کارها صحیح نیست دستگاه شما غلط است لنگ است خراب است اینها را باید اصلاح کنید و آنوقت این لایحه را به مجلس بیاورید وزارت فرهنگ را باید بدهید بدست من فوری درش را به بنده (خنده نمایندگان) و این پانزده میلیون اختصاص باید بدهید بمدرسه و کتاب و معلم نه از آن جور کتابی که پررروز گفتم کتاب میخواهد وسائل میخواهد تا کار درست شود يك عده محصل که از ایالات و ولایات آمده اند مکرر آمده اند در دفتر روزنامه من سرگردان و کرسنه و دو ماه و سه ماه در این شهر ویلان هستند میروند پشت در این اداره پشت در آن اداره و همینطور حیران و کرسنه اند و میگویند

**انوار** - فرمایشات آقای طباطبائی دارای يك جوهر واقسام مختلف بود در قوانین سابق ماعنوان تعلیمات اجباری هست اگر چنانچه شما ملاحظه بفرمائید ملتفت میشوید که عنوان قانون اساسی غیر از يك قانون عملی و عمل کردن قانون است در آنجا يك مطالب کلی است طرز عمل آن قانون میخواهد در آنجا قانون اساسی میگوید باید عده وزراء را قانون معین کند آیا قانونی لازم است که تصویب شود و معلوم شود عده وزراء چقدر است یا نه؛ در متمم قانون اساسی میگوید حقوق اعضاء و محاکم عدلیه را مطابق قانون میدهند پس همان کافی است چرا دیگر قانون بودجه مینویسید؟ در قانون اساسی حکمیت را اسم برده پس ما دیگر محتاج بقانون حکمیت نیستیم چرا؛ بعلمت اینکه در قانون اساسی اسم برده شده قانون اساسی معلوم میکنند که مملکت وقتی مشروطه شد امورش باید در تحت قانون باشد یعنی هر کاری که میخواهید بکنید و هر قدمی که برداشته میشود باید مطابق قانون باشد و باید قانون آن از مجلس شورای ملی بگذرد و مطابق آن قانون رفتار شود قانون اساسی معارف میگوید باید تعلیمات اجباری و عمومی باشد ولی موضوع عمل و طرز عمل را که نوشته است این شخص آمده است و میگوید که آن چیزی که در قانون اساسی معارف بوده و در آنجا عمل کردن آن دستور داده شده بود فقط يك عبارتی بود بطور خلاصه نوشته بود حالا که باید تعلیمات عمومی در مملکت باشد بچه ترتیب عمل میشود و آن منظور اجرا میشود پس این اقدام ایشان از این حیث نباید محل نزاع باشد برای خاطر اینکه مطابق این دستوری که قانون اساسی داده است ایشان رفتار کرده اند آمده اند گفته اند که تعلیمات عمومی و اجباری باشد و تعلیمات اجباری و عمومی ترتیب اجرایش اینطور است. اما راجع باینکه چرا فلان کس آمده است سرود گفته است آقا این حرفها چیست؟ بنده هم وقتی بشما رسیدم تعریف میکردند ولی حالا طور دیگر شده است دیگر حالا نباید گفت ای داد و بنیاد دیکتاتور سیاه دیکتاتور فلان آخر چرا زمان را با همدیگر مخلوط میکنید؟ يك موقعی بود يك جریان بود که هم حضرتعالی و هم بنده که خیلی اظهار شجاعت میکنیم و

الا میترسیدم (خنده نمایندگان) کی آن زمان نمیتواند رسید؟ پس این را باید بگیرید و حمله کنید بیک وزیر که از روی صداقت دارد کار میکند؛ (صحیح است) میگوید که با این قانون من میخواهم کمک من بکنید شما که در قانون اساسیتان هست در قانون اساسی معارف هست و میخواهید راه عمل را مطابق این قانون انجام بدهید. يك موضوع دیگر هم اینکه آقا دمو کرات هستند در برنامه دمو کرات هست که باید انتخابات عمومی باشد و همه افراد باید رأی بدهند اما با رأی عمومی تعلیمات عمومی و اجباری نباید باشد آخر آن دهاتی را باید در اند که هر چیزی که سایرین میگویند بنویسند یا اینکه خودش بتواند لااقل بنویسد به حسن و حسین رأی میدهم آقای طباطبائی این را قبول دارند ولی وقتیکه به نتیجه میرسند میگویند خیر این همان معنی قوه و اهمه است که همه جا با عقل موافقت میکنند در مقدمات ولی وقتی به نتیجه میرسد بر میگردد میگوید میت جماد است جماد را که نباید ازش ترسید ولی وقتی بز نتیجه میرسد بر میگردد و میگویند مرا برنامه دمکرات مورد قبول است باید انتخابات عمومی باشد خوب آقا لازمه انتخابات عمومی چه چیز است چکار کنند؟ همه که امی نیستند علم لدنی که ندارند باید بروند مدرسه تحصیل کنند اسم خودشان و و کیلی که میخواهند انتخاب کنند بتوانند بنویسند پس باید اینها را قبول کنید که صحیح است اینها چیزهایی است که خودتان قبول دارید. راجع به تألیفات و حق التألیف شما خودتان میدانید که در کمیسیون بودجه بنده و آقای امیر تیمور يك عده بودیم که مخالف بودیم حتی در روزنامه ها هم برضد این فکر نوشتند و گفتند که خلاف معارف رفتار کرده اند اما هیچ يك از اینها ربطی به ایشان ندارد ایشان هشت نه ماه است آمده اند بنده در این قسمت با آقای طباطبائی موافق هستیم میامدند و قرار میدادند با وزارت معارف که ما فلان کتاب را مینویسیم در ظرف مجال مثل ماها که میائیم بمجلس اسم مینویسیم و نمایم توی مجلس این کارها شده است و جداً قرارداد است وزیر معارف که این قلم را از بودجه بزند و ما صحبت کردیم در کمیسیون برای این موضوع و قرار

ما آمده ایم درس بخوانیم پول نداریم و با این خرج فعلی نمیتوانیم زندگی کنیم و زندگیمان لنگ است این خوب است آقا؛ شما این پانزده میلیون را بردارید خرج اینکارها بکنید و الا يك دستگاه عریض و طویل بر از مدیر کل و بر از نویسندة بر از رئیس، بر از مرئوس بچه درد این مملکت میخورد؛ شما در این پانزده ساله با این بودجه هنگفت مملکت را بکجا انداخته اید؟ آقای انوار خسته نشو از صحبت من شما تشریف ببرید بیکی از این مدارس از يك طفلی که چهار ساعت صبح و سه ساعت عصر میرود در این مدارس از یکی از این اطفال شما از او پرسید که این مدت را چه کرده چندتا نیمساعت که زنگ تفریح است یکساعت سرود خوانده زنگ سرود! آقا سرود هم درس دادن دارد؟ آنها بيك دختر بچه؟! آنها کی سرود درس میدهد بيك نره خری! آخر این تعلیم است تربیت است اخلاق است؟! در حبشه هم همچو چیزی نیست من خودم بد کتر سیاسی گفتم که یکی از همین معلمین بد اخلاق را از مدرسه بیرون کردند مخصوصاً در این ده پانزده ساله اخیر این پولهایی که گرفته شده به بینید این پولها بچه مصرفی رسیده مخصوصاً حالا، سابقاً يك مفاسدی و يك خرابیهای بود ولی بيك قدرتی هم در مقابلش بود و صدی شصت صدی هفتاد از آن مفاسد بواسطه آن رعب و ترسی که بود جلو گیری میشد ولی حالا دیگر آن ترس نیست و چه اضافه شده بآن فساد؟ ضعف، بی ارادگی، ناتوانی، یکوقتی بود که همه آقایان متأثر بودند از این که حوزه معارف کجا و استخر شنبای دختران کجا حالا آن اسم نیست باشامی دیگری است حالا بقدری بی ارادگی در وزارتخانه ها حکم فرما است که مملکت را از حیث تقوی بجائی برده است که کسی نمیتواند علاج کند بنابر این بنده خواستم از آقای وزیر فرهنگ خواهش کنم که این ماده اول را بردارند و همان ماده ۳ و ۴ و ۵ قانون اساسی معارف که بقوت خودش باقی است و حالا هم از طرف مجلس شورای ملی یکبار دیگر آن قانون تأیید میشود و شما میتوانید از همان قانون کاملاً استفاده کنید.

رئیس - آقای انوار.

شد که از بودجه بزنند این است که دیگر چیزهای گذشته را نباید تکرار کرد که تقویم پاری نیاید بکار و امیدواریم بیاری خدا که با یک اتحاد و صمیمیت کارهای مملکت را بجریان بیندازیم ایراد کردن در اینکه فلان وقت فلان عمل شده است نمیشود بعضی از امورات هست که اگر در اقلیت شمشیر میزند بایستی کند نباشد چیزی که بنده پیشنهاد کردم این است که دولت مکلف است از سال ۱۳۲۲ تا مدت ده سال بنده این ده سال را کم میدانم برای اینکه میدانم نمیشود و با این دهات و قصبات و نقاطی که ما داریم نمیتوانیم در ظرف این مدت باین کار برسیم بلکه بعقیده بنده بیست سال هم نمیشود باید یک ترتیبی بکنیم که عملی باشد ولی خدا میداند بنده یقین دارم که ما هر قوه هم که داشته باشیم تا بیست سال ممکن نیست دیگر اینکه میخواهم عرض کنم خدمت آقا که شما زحمت میکشید و اولادتانرا تربیت میکنید و دارای مقامات علمی میشود بعد هم ممکن است از او یک سوء عملی دیده شود این دیگر بشما ایرادی نیست هیئت حاکمه و هیئت دولت اینها سرپرست و مربی این مملکت هستند و نظرشان مسلماً دانا شدن افراد این مملکت است حالا اگر این نتیجه بدی بدهد که ما نکرده ایم راه آهن از جمله چیزهایی است که افتخارات برای ملت ایران همانطور که بینی و بین الله آن روز شاه گفت ملت من این پول را داد و خم به ابروی خودش نیارود از مال خودمان با کمال قدرت در تحت سرپرستی یک شخص یک راه آهنی را ساختیم و حالا که یک جریانی دنیاراهم گرفته است بگوئیم این راه آهن چون سوق الجیش شد معارف هم سوق الجیش میشود بنده خیال میکنم اگر خدای نخواست معارف هم سوق الجیش شد آنوقت میگوئیم آقای دکتر سیاسی بدکاری کردن معارف را سوق الجیش کردن (خنده نمایندگان).

رئیس -- آقای مجد ضیائی .

مجد ضیائی - مخالفت بنده نه از نقطه نظر مخالفت با تعلیمات اجباری است گویا مختصر معلومات ناقص هم داشته باشیم و همیشه این آرزو را داشته ام که اهالی عموم کشور لازم است

از دانش بهره مند شوند منظورم از این عرض نبودن وسائل کار و امور کار است که امروز برای دبستانهای کشور و دبیرستانها آموزش کار و دبیر نداریم حتی محل خالی بگذارید دانشجو یا دانش آموز از شهرستان می آیند مدتی سرگردان میمانند نظرم است دو سال قبل پس از سه ماه از دوره تحصیل گذشته موفق شدیم یک نفر دبیر برای دبیرستان زنجان اعزام نماییم میترسم بیک ساختمانی دست بزنیم که بناء و کارگر نداشته باشیم و شخص آقای وزیر فرهنگ میدانم ایمان و عقیده برای پیشرفت کار دارند ولی به اصطلاح اجراء این عمل بدست دوم که میرسد یک اداره پانصد نفری بنام تعلیمات عمومی اجباری تأسیس و نصف هزینه خرج پرسنل خواهد شد عقیده دارم این هزینه را تخصیص بدهید بتأسیس دانشسراهای دیگر در شهرستانها و از دهات بتناسب جمعیت از یک الی شش نفر دانش آموز بیاورید مخارج شبانه روزی آنها را مجانی کنید و به آنها در ضمن تعلیمات کشاورزی و صنعتی را که یاد دادید بعد که وسائل کار آماده شد آنها را مأمور تعلیمات در محل خود نمائید والا هر قدر این لایحه را با حسن تلقی قبول نمائیم در عمل تصادف بمشکلاتی خواهیم نمود خاصه در ماده ششم ملاحظه میفرمائید بطوری که آقای طباطبائی در جلسه قبل اظهار نمودند یک مأمور تعلیمات اجباری بر عده مأمورین نظام و وظیفه و آمار اضافه خواهد شد آقایان امروز لازم تر از تعلیمات اجباری در هر دهکده یک محل مختصری تأسیس نمائید یزشک یار بفرستید برای رفع تراخم درد چشم که نصف دهات و کشاورزان مبتلا هستند آنها را معالجه نمائید آبله کوبی عمومی بکنند مرضای آنها را معالجه نمایند بعد از توانائی به آنها دانائی یاد بدهید والا یک جمعی از این قانون استفاده نمودند در این موقع که باید کشاورزی و زراعت ترویج شود فقط مأمورین استفاده جو بهره مند خواهند شد بنده در نظر دارم چند سال قبل یکی از مأمورین ساختمانها در زنجان سنگهای قبرستان و آجر آنها را آورده و مصرف مینمود و از دولت هم قیمت سنگ و آجر دریافت مینمود و در ملاعام میگفت ما از مرده ها خوب استفاده کردیم آیا این مأمورین

تصدی ساختمان خواهد شد و اینها مأمور تعلیمات اجباری خواهند شد مقصودم این است غیر از این ترتیب طرزى که عملی و تدریجی بمطلوب برسیم وزارت فرهنگ پیشنهاد نموده و مواد لایحه را بفرمائش یکی از نمایندگان از جنبه کتاب نفایس القنون که از هر علم و رشته نمونه نوشته شده خارج فقط منحصر به تعلیمات عمومی و تهیه مقدمات نموده بیاورید که نتیجه مطلوبه حاصل و اشکالی فراهم نشود.

رهنما (معاون نخست وزیر) - آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند که یکی از بهترین لواجیحی که در این دوره آمده است همین لایحه تعلیمات اجباری است لایحه که بیست سال و بیست و پنج سال است جزء آمال این مملکت و آمال طبقه منور این مملکت و جزء آمال احزاب این مملکت بوده است و در تمام جرائد و مطبوعات و در تمام مؤسسات این فکر بوده است در یک مملکت آنقدری که برای آن مملکت تعلیمات ابتدائی و با سواد کردن افراد لزوم دارد آنقدر دانشسراهای عالی لزوم ندارد اول بایستی مردم را با سواد کرد و اکثریت را با سواد کرد و او را با کتاب آشنا کرد تا بتواند کتاب را بخواند بعد از آن طبقات بالا را گذاشت بمدارس عالی و دانشکده ها و اونیورسیتها ها که تحصیلات عالی را طی کند در ممالک متمدنی در امریکا فرزند امریکائی فرزند دولت است و دولت در قدم اول برای تعلیم و تربیت آن فرزند است که او را با سواد کند این را ما غفلت نکنیم وقتی که اتصال اکثریت مملکت ما با کتاب منقطع بشود ما نمیدانیم در آن تاریکی چه عملی میشود بنا بر این بنده تصور میکنم که آقایان نمایندگان محترم با این لایحه که از طرف آقای وزیر فرهنگ تقدیم شده موافق هستند و یک قسمتهائی که در اطراف و حاشیه است صحبت است مثلاً یکی از نمایندگان محترم موضوع معلم را فرمودند که ما آموزش کار نداریم البته مملکت ما در یک مرحله اولیه است ما آموزش کار برای مدارس ابتدائی آنقدری که لازم داریم آنقدر میتوانیم تهیه کنیم که افراد این مملکت این افزایشی که پدرشان مالیات میدهند و از بهره معارف محروم

هستند آنها را هم باید تعمیم داد صحبت شد که در اینجا ممکن است اداره تشکیل شود ولی خود آقای وزیر فرهنگ و تمام آقایان نمایندگان ممکن است صرف وقت بفرمایند که این اعتبارات صرف ادارات نشود پس بنا بر این یک چیزهایی که محرز است و قطعی است اینها بعقیده بنده تذکرش لازم است ولی اطاله و دوام تذکرش اسباب میشود که این مسئله بتعویق بیفتد بنا بر این آقایان نمایندگان محترم موافقت بفرمایند که این مواد زودتر بگذرد و اگر مطالبی دارند پیشنهاد بفرمایند مبرود بکمسیون و برای شور دوم نظریات آقایان هم تأمین میشود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقایانیکه با کفایت مذاکرات موافقت بفرمایند

(اغلب برخاستند) تصویب شد .

پیشنهاد آقای انوار :

پیشنهاد میکنم در ماده اول در سطر اول بعد از کلمه مدت بیست سال اضافه شود .

رئیس - بکمسیون ارجاع میشود . ماده دوم :

ماده دوم - دوره تعلیمات ابتدائی اجباری فعلاً چهار سال است برنامه تحصیلات و کتابهای دبستانی با رعایت مقتضیات نقاط مختلفه کشور ممکن است ممنوع باشد تألیف و طبع کتابها را وزارت فرهنگ با رعایت اصل آموزش و پرورش خاصه تربیت اخلاقی کودکان عهده دار خواهد بود .

تبصره - تعقیب تحصیلات در کلاسهای ۵ و ۶ ابتدائی برای اطفال اختیاری است وزارت فرهنگ مکلف است در برنامه این دو کلاس تجدید نظر بعمل آورده آموختن مقدمات حرف و صنایع را با رعایت مقتضیات هر محل در آن بگنجاند و نیز مکلف است وسایل فراهم کنند برای اینکه این دو سال نیز هر چه زودتر بر دوره تعلیمات عمومی اجباری و مجانی علاوه گردد .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - اصولاً این لایحه بعقیده بنده یکی از لواجیح خوبی است که تصور میکنم و محل تردید برای هیچیک از

افراد کشور و نمایندگان مجلس نباشد زیرا این آمال آرزوی همه ماها بوده است که اکثریت مملکت با سواد باشند و خواندن و نوشتن را بیاموزند این يك چیزی است که ایدآل همه بوده است و امیدوارم در اجرا و انجام این مقصود مهم آنطوری که همه انتظار دارند موفقیت حاصل کنند ولی چیزی را که بنده میخواستم تذکر بدهم این است که در این ماده دوم نوشته است مدت چهار سال و بنده عقیده ام این بود که این مدت چهار سال را همان شش ساله کنیم چون بنظر بنده اگر مدت چهار سال باشد آنطوری که منظور نظر است مقصود حاصل نمی شود و يك عمل ناقصی می شود بنده خیال میکنم حالا که این قدم اول برداشته شده يك قدم اساسی همانطور که در همه جا معمول است که باید تحصیلات ابتدائی اجباری و مجانی باشد این يك اصل مسلم است ما چرا این اندازه اکتفا کنیم اگر چنانچه آقای وزیر فرهنگ اشکالشان این است که مکلم بقدر کافی نیست یا اینکه بودجه نداریم از این دو قسم که خارج نیست شما تدریجاً در این قانون هم پیش بینی کرده اید که در هر استان و شهرستان و ولایتی که مقتضی شد اقدام می کنید این در دست خود وزارت فرهنگ است بنده اصولاً تجربه که دارم خواهش میکنم آقای وزیر فرهنگ توجه بفرمایند الان شما در بعضی از جاها دبستان چهار کلاسه دارید و البته هدفتان همین جاها است و الا شهرستانها که برای خودش بقدر کافی دبستان و دبیرستان همانطور که فرمودید وسائل فراهم است بالاخره این برای دهات است که وسائل حالا فراهم نیست ولی فعلاً در همانجاها مدارس چهار کلاسه هست الان هم در بعضی ولایات در همان شهر ملایر در دهات آن دبستانهای چهار کلاسه هست ولی دبستان چهار کلاسه انقدرها کافی نیست که بتواند يك بچه را با سواد بیرون بدهد برای خواندن و نوشتن و استفاده کردن آن منظوری که ما داریم پس حالا که میخواهید این قدم را بردارید يك قدم اساسی بردارید و بنده معتقدم که مخصوصاً در دهات سه کلاس برای دروس ابتدائی و سه کلاس هم برای قسمتهای کشاورزی در نظر

بگیرید که در واقع آب بچه زارع و دهقان که در ده می نشینند با اصل کشاورزی هم سروکار پیدا کنند و طوری باشد که این بچه وقتی که وارد اجتماع میشود فکرش یکطوری باشد که اگر گفته شود که ترا کتور بهتر از گاو آهن است این را تشخیص بدهند چون یکی از دردها این است که اگر يك مالکی هم استطاعت داشته باشد که ترا کتور و خرمن کوب فراهم کنند زارع ده حاضر نیست و زیر بار نمی رود روی همان عادت واصل سابق این را آقایان ملاکین هم میدانند حالا اگر يك آبادیهائی در نزدیکی شهر باشد ممکن است که این عادت را نداشته باشند اما آبادیهائی که از شهر یکقدری فاصله دارند این عادت قدیمی را دارند پس باید یکطوری کرد که این اطفال متوجه شوند چون حالا خود رعیت حاضر نیست و برخلاف عادتش است اما پسرش وقتی که رفت بمدرسه دیگر زیر بار این کار نمی رود بنده عقیده ام این است که موقعی که برنامه این دبستان شش کلاسه که بطور عمومی و اجباری میشود میخواهید تهیه کنید باید يك طبقه خوش فکر و روشن فکری به نشینند که اصل عمومی کشور را در نظر بگیرند که وقتی که این برنامه را میدهند بدست یکنفر معلم که می رود در فلان ده حسن آباد اجرا کند چیزی باشد که مورد استفاده واقع شود طوری نباشد مثل خیلی چیزهائی که ما در این مدت بیست ساله داشتیم و چون تطبیق با محیط و اوضاع و احوال نمی کرد مورد استفاده واقع نشد این يك قدم اساسی است که اگر این نکات درس رعایت شود بهترین قدمی است که برای کشور برداشته میشود زیرا افراد تا سواد نداشته باشند تا اطلاع نداشته باشند تا ایمان و اعتقاد نداشته باشند با زور و جبر ممکن نیست که بتوانند سعادت خودشان را تشخیص بدهند باید خودش این تشخیص را داشته باشد که بتواند از حقوق خودش دفاع کند برای وطن پرستی هم بعقیده بنده سواد داشتن و نداشتن عامل مؤثر است زیرا آن کسی که سواد پیدا کرد به اندازه که تشخیص داد که از خانه خودش بایستی دفاع کند خون خودش را هم برای حفظ خانه خودش میریزد

و این مسئله یکی از اصول مسلمی است که در تمام دنیا معمول است و ما در این موقع که این قدم را بر میداریم باید انشاء الله این فکر را در دهات و برای زارعین و دهاقین که طبقه زحمت کش و بیچاره این مملکت هستند عملی کنیم.

رئیس - آقای طباطبائی

**طباطبائی -** عرض میکنم که بنده باید قبلاً این مطلب را عرض کنم صحبت هائی که اینجا میشود و مخصوصاً عریضی را که بنده عرض میکنم باید عرض کنم که بنده با اشخاص کاری ندارم و نباید هم اینطور باشد که انسان از مطالبی که راجع بمملکت و عامه وارد بحث است نظر و هدف شخصی داشته باشد بنابراین این قسمتی را که آقای انوار راجع بد کتر سیاسی تعریف کردند مربوط بعریض بنده نبود پس من به شخص ایشان نظری ندارم جز يك سابقه دوستی که الان هم آن دوستی برقرار است اما راجع به فرموده های ایشان چون آقایان خسته میشوند از مذاکرات بیانات آقای يك نمکی است روی مذاکرات خوب عیبی نداشت. اگر بنا باشد گذشته را هیچوقت صحبت نکنیم و بگوئیم دیروز گذشت خیال نمیکنم این معقول باشد و هیچ آدم ناعاقلی هم تصدیق نکند که هر چه شد مضافاً به اینکه عریض بنده نواقص و خرابیهائی که سراغ دارم منجمله در وزارت فرهنگ حالا مجلس هست وزارت فرهنگ هم هست باید گفت اگر نبود البته چیزی بود که گذشته گذشته و حالا گلستان است ولی متأسفانه اینطور نیست عرض میکنم دوره تعلیمات اجباری نوشته شده است چهار سال شما يك طفل شش ساله را میفرستید بمدرسه که در مدت چهار سال بیاید کتاب بخواند این کتاب که سهل است اسم خودش را هم نمیتواند بخواند دوره شش ساله ابتدائی با این پروگرامی که هست و با این وضعی که هست یکنفر طفل اگر خودش استعدادی داشت که در خارج زحمت بکشد و پدرش برایش معلم بگیرد این از بحث من خارج است ولیکن یکنفر طفل عادی اصلاً نه بلد است درست بخواند و نه بلد هست درست بنویسد چه رسد باینکه برای بنده و آقا کتاب بخواند همان کتاب خواندن است که

خیلی صرف وقت میخواهد باید چندین دوره را طی کند تا بتواند اصلاً معنی کند که خود کتاب چه لغتی است پس با این وضع تازه اول مصیبت است که بگوئیم چهار سال این که شش ساله است اسم خودش نمیتواند بنویسد شما میخواهید چهار سال بکنید بمن اجازه بدهید که بگویم این عمل يك تعارفی بیشتر نیست این لایحه آقا بر نامه تحصیلات مقدم بر اینکه شما کتاب دبیرستانی را با رعایت مقتضیات نقاط مختلف کشور میخواهند تطبیق کنند اول باید برنامه خودتان یعنی برنامه جاری فرهنگی را اصلاح کنید آنروز بنده عرض کردم کتابهائی که شما بدست اطفال دادید تمام ناقص و مضر و تلف وقت است طرز تحصیل طرز تعلیم و تعلم غلط است ناقص است بد است باید مقدم بر هر چیزی در این لایحه پیش بینی میفرمودید کسی که مانع شما نبود حالا مجلس هم نگوید شما میخواستید برنامه تان را اصلاح کنید توجه کنید که کتابهای دبستانی دبیرستانی مدارس حتماً باید اصلاح شود و تبصره هم اتفاقاً اشاره باین قسمت شده یعنی در برنامه این دو کلاس پنج و شش تجدید نظر بعمل خواهید آورد پس در این چهار کلاس که مقدم بر این دو کلاس است که حتماً باید تجدید نظر شود اما حرف و صنایع يك چیز تازه نیست حالا انوار نگوید که باز از پیش گفتی بنده این را تحقیق کردم مقدمه در زمان وزارت معارف مرحوم بدر شده است که در کلاس نجاری و آهنگری را گذاشته بودند و يك مدتی هم عمل شده است بعد معلوم نیست که با چه موجبی چه چیزی رخ داده است که این را برداشته اند و چون این لایحه که تصویب شد بیشتر تماس دارد با قراء و قصبات و دهات خواستم این مطالب را عرض کنم که بموجب این قانون مأمورین وزارت فرهنگ نگرانی که من دارم این است که یکعده را بنام نظام همه ساله از کشت و زرع باز میدارند و یکعده را هم حالا باین اسم شما باسم حرف و صنایع يك چیزهای عجیب و غریب درست خواهید کرد يك دستگاه اداری هم الان من عرض میکنم یادداشت بفرمائید يك اداره درست خواهید کرد و يکه

مأمورینی را هم میفرستید که اطفال دهاقین و زارعین را هم از آن کوره راهی که خودشان دارند منحرف کنیم و باین اسم مبتلا خواهیم کرد که باید حرف و صنایع یاد بگیرند آقایانیکه وارد هستند در پروگرام های وزارت فرهنگ میدانند که در مدارس چه میکنند و چه نوع حرف و صنایع معمول است در دهات حرف و صنایعش معلوم است تناسب با خودش است در قراء و قصبات اول حرف و صنایع که برای آنها لازم است زراعت است حالا بجای این حرف و صنایع که بنده نمیدانم چیست عوض این شما میخواهید اگر توانستید که با اطفال کشاورزان پنج شش کلاس درس بدهید که يك کوره سوادى یاد بگیرند و ضمناً از همان اوان طفولیت این را هم اداری بکنید در صورتیکه همان راه آبا و اجدادی که پدر و کسانش داشتند راه زندگى مملکت هم همان است و الا من در ضمن عریضی که اینجا عرض کردم گفتم که برای اداره نوکر ساختن به اسم مدرسه این يك بدبختی است برای ما.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - بنده هم مدت چهار سال را برای تعلیمات ابتدائی کافی نمیدانم و با سیستمی که معارف ما تا بحال داشته است در مدت چهار سال يك طفلی از عهده نتواندن و نوشتن بر نمی آید و پیشنهادهای هم در این موضوع تقدیم کرده ام چون آقای وزیر فرهنگ میل دارند که بنام نامی خودشان يك یادگاری بگذارند موافقت بفرمایند که مدت تعلیمات شش سال باشد که ما به نتیجه برسیم و موضوعی که بنظر بنده خیلی قابل اهمیت است موضوع تربیت است که باید با کمال تأسف اذعان کنیم که تا بحال کشور و مخصوصاً وزارت فرهنگ آنطور که شایسته بوده است در امر تربیت اطفال اهتمام نورزیده است اگر برای تعلیمات در مدارس يك قدمهائی برداشته شده و کم و بیش مدارس ما يك نضجی پیدا کرده است اما از آنطرف در قسمت اخلاقی و تربیتی حقیقه ربه انحطاط رفته است مخصوصاً از قسمتهای اخلاقی خیلی خیلی وضع پاره اطفال تأسف آور است و اینجا است

که وزارت فرهنگ پیش از هر موضوعی بایستی در امر تربیت آنها سعی و دقت کافی بعمل آورد و این جز با داشتن معلم خوب و با تقوی امکان پذیر نخواهد بود تنها نگرانی که من از این قانون دارم این است که شما با نداشتن معلم چطور موفق خواهید شد که امر تعلیمات عمومی را در تمام مملکت بتوانید اجرا کنید و بسط بدهید مخصوصاً برای تعلیمات ابتدائی که در قدم اول شما احتیاج به معانیق با تقوی و ایمانی دارید که از قدم اول تقوی و ایمان را در نهاد طفل ودیعه بگذارند و باید بهمین نسبت که وزارت معارف میخواهد برای امر تعلیمات اقدام کند بهمین نسبت هم باید اهتمام کند در تربیت معلم و منتهای کوشش را بعمل بیاورد که معلمین خوب انتخاب شود و بنده پیشنهادی کردم که در این جائی که نوشته میشود با رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه تربیت اخلاقی بعد از کلمه اخلاقی و دیانتی را هم اضافه کردم و امیدوارم در کمیسیون هم موافقت بفرمایند که همانطور که در امر تربیت اخلاقی قدمی برداشته میشود در امر دیانتی هم که در درجه اول است اهتمام بفرمایند از این موضوع که بگذریم نوشته شده برنامه تحصیلات و کتابهای دبستانی با رعایت مقتضیات نقاط مختلفه کشور ممکن است متنوع باشد آنچه که بنده فکر کردم منظور همان آموزش قسمتهای فلاحتی و زراعتی است و عقیده ام این بود که اسم آن برده شود بهتر است از اینکه بنویسند متنوع باشد یا چند قسم باشد و اگر باین نحو و بطور ابهام باشد يك چیز کش داری است و اسباب اشکال خواهد شد این بود عریض بنده

وزیر فرهنگ - یکی از اشکالاتی که باین لایحه ممکن

است وارد باشد و تذکر هم دادند این است که ما بقدر کافی معلم نداریم اتفاقاً قسمت مهم این لایحه تنظیم شده است برای همین کار یعنی اگر قانون وضع میشود برای این است که ما معلم تهیه کنیم اگر بمواد دوازده و سیزده مراجعه کنید معلوم میشود که ما میخواهیم باین وسیله بعهده کافی معلم و مربی بدست بیاوریم برای اجرای این قانون

البته اجرای قانون خیلی مشکل است نه اینکه ما متوجه نباشیم و بر خلاف نظر به آقای طباطبائی این قانون را سرسری دولت بمجلس نیاورده است تنها رویش مطالعه شده است قطع نظر از مطالعات شخصی که بنده داشته ام از تمام رؤسای فرهنگ و ولایات بنده نظر خواسته ام و از تمام اشخاصیکه در علوم تعلیم و تربیت مختصراً اطلاعی داشته اند بنده نظر خواسته ام و آنها هم نظر خودشان را داده اند که در آئین نامه های این قانون ذکر خواهد شد و مناسب نبود که در قانون گنجانده شود چون قانون کلیات را در نظر باید بگیرد و بنا بر این ما برای اینکه این قانون کاملاً اجرا شود و عملی شود در نظر گرفتیم که دو کار بشود یکی اینکه دبستان ساخته شود و یکی اینکه معلم تربیت شود که اینها هم پیش بینی شده است و اما موضوع چهار سال و شش سال بنده تصدیق میکنم که در عرض چهار سال نمیتوان بچه ها را آنطور که باید و شاید تربیت کرد خاصه که خط فارسی بسیار مشکل است مخصوصاً کتاب خوب هم نداریم و وسائل مان هم کم است و هر قدر هم سعی کنیم و پول خرج کنیم برای ما مشکل است که بتوانیم در عرض مدت قلیلی شش سال بچه های ایران را بطور اجبار تعلیم و تربیت کنیم از این جهت چهار سال قرار دادیم و بهمین جهت هم در تبصره قید شد به محض اینکه وسائل فراهم شد آن پنج و شش هم جزء آن دور اجباری و مدت تعلیمات اجباری خواهد شد معذالک اگر کمیسیون مطالعه کردند دیدند لازم است بنده مخالفتی نخواهم کرد اما راجع به آموزگار بنده این را کاملاً تصدیق میکنم که معلم کم داریم و این قانون يك قسمتش برای همین است که ما آموزگاران تهیه بکنیم يك آموزگاران که در جامعه احترام پیدا بکنند و زندگانی شان تأسیس بشود در مواد مربوط باین قسمت بنده توضیح کافی عرض خواهم کرد. راجع بکتاب هم بنده خودم مکرر عرض کردم که ما کتاب خوب نداریم و شروع هم شده است باین کار، کتاب اول ابتدائی که فعلاً در زیر چاپ است وقتی بیرون آمد ملاحظه خواهند فرمود که بکلی دیگرگون شده است در سایر کتابهای ابتدائی هم اصلاحات بیشتری خواهد شد که شاید طرز تعلیم آسان بشود و بچه های ما از این زحمت

فوق العاده که گرفتار هستند خلاص بشوند. راجع بحرف و صنایع هم که فرمودند بنده تصور میکنم در کمیسیون هم گمان میکنم اینطور نظر داشتند که کشاورزی هم مشمولش هست ولی اگر تصور میکنند که کشاورزی مشمول لفظ حرف نیست تمدن است پیشنهاد کنند اضافه شود و مراد این بود که در قری و قصبات در آنجاها آن قسمت کشاورزی به کودکان آموخته بشود و در شهرهایی که جنبه صنعتی دارد قسمتهای صنعتی آموخته شود باین جهت قیده شده است حرف و صنایع.

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - چون این قانون فوق العاده اصطکاک بطبقه زارع و دهقانان دارد این است که من بعنوان مخالف مطالبی را که لازم میدانم به آقای وزیر فرهنگ عرض میکنم: از تهران که بگذریم در سایر شهرستانها بخصوص دهستانها تا کنون توجه کاملی از طرف وزارت فرهنگ نشده است برای نمونه چند دهستان نزدیک بمرکز و چند دهستان دور دست را عرض کنم ساوه شهری است دارای پنج شش بلوک در این شهر و دهستانهای آنجا پنج دبستان هست... (ثقه الاسلامی - از شهریار صحبت کنید. خنده نمایندگان) نفرش يك محل معظمی است نه تنها دبیرستان ندارد بلکه دبستان هم بقدر کافی ندارد. رودبار اراک آقای وزیر فرهنگ بلوکی است که نه تنها دبستان ندارد تا حالا يك پزشک هم به آنجا پانگذاشته است. جاپلق يك بلوکی است. (همهمه نمایندگان - شما از شهریار صحبت کنید) فرق نمیکند تمام کشور پیش بنده یکی است آنچه را که بنده میدانم عرض میکنم (انوار - آقا در ماده حرف بزنید) التفاف بفرمائید آقا بنده نمیخواهم تفریح کنم بنده که نمی خواهم تظاهر کنم بنده درد بی درمان مردم را بعرض دولت و مجلس میخانم. جاپلق هم دبستان ندارد. آقایان فرمودند از ساوجبلاغ و شهریار صحبت کن همیشه عوض و کرشته يك قصبه معظمی است که دارای ده هزار جمعیت است (خنده نمایندگان) از وزارت فرهنگ تقاضی میکنند که دبستان آنها تبدیل بدبیرستان بشود و اظهار لطف و توجهی نمیشود همینطور در رباط کریم و قسمتهای دیگر شهریار و ساوجبلاغ اشتها در يك محل معظمی است دارای

دبستان نیست (وزیر فرهنگ - انشاء الله درست میشود) بنده میخواستم توجه آقای وزیر فرهنگ را جلب کنم باین نقاطی که اولیای اطفال آنجا اشخاصی هستند که از دسترنج آنها چرخهای این کشور گردش میکنند باینها توجه بیشتری بکنند. و اما نکته را که آقایان فرمودند چهار سال کم است اولاً در تبصره برای آنهایی که بتوانند بکلاس بالاتر بروند اختیار داده شود ولی این مطلب را نباید از نظر دور داشت بچه رعیت شش ساله وارد دبستان میشود چهار سال در دبستان هست ده ساله میشود بعد از آن اگر پدران آنها مجبور بشوند آنها را در دبستان بگذارند امور کشاورزی آنها مختل میشود البته آنهایی که توانائی دارند اختیار دارند بخوانند دبستان میگذارند نخواهند نمی گذارند. اما اینکه فرمودند دبستانهای دهات منحصر بدرس کشاورزی باشد آقایان باید توجه داشته باشند اولاً معلمی نسبت به این اندازه که از امور کشاورزی مطلع باشند و بآنها درس بدهند ثانیاً پدران اینها و کسان اینها صبح تا شام مشغول امور کشاورزی هستند و بعقیده بنده آنها با اطلاع تر از آن کسی هستند که از کلاس شش بیرون میآید این بود عرض بنده حالا آقایان اظهار لطف بفرمایند و آقای وزیر فرهنگ هم در این مورد توجهی بفرمایند:

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود

**طوسی** - سه فقره پیشنهاد است مربوط به آقای امیر تیمور آقای شاهرودی آقای شیرازی و آقای میرزا در این زمینه که دوره تعلیمات ابتدائی شش سال باشد

مدت تعلیمات اجباری پنجسال بوده و در سال چهارم و پنجم بر نامه تعلیمات طوری تنظیم شود که اطلاعات کشاورزی تدریس شود.

**پیشنهاد امیر تیمور**

در آخر سطر سوم ماده دوم بعد از کلمه اخلاقی جمله « و دیانتی » افزوده شود

**پیشنهاد آقای نقابت**

دوره تعلیمات ابتدائی اجباری سال ۱۳۲۷ چهار سال و بعد از آن شش سال است بر نامه تحصیلات و کتابهای دبستانی ب رعایت مقتضیات نقاط مختلف کشور ممکن است متنوع باشد وزارت فرهنگ مکلف است کتابهای مورد نیاز دبستانها را ب رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه ترتیب اخلاقی تهیه و مجاناً در دسترس دانش آموزان کلاس مزبور بگذارند.

**پیشنهاد آقای رضوی**

**پیشنهاد میکنم ماده دوم بنحو زیر اصلاح شود:**

ماده دوم - دوره تعلیمات ابتدائی اجباری شش سال است بر نامه تحصیلات و کتابهای دبستانی ب رعایت استعداد نقاط مختلف کشور از حیث اضافه شدن مواد صنعتی و فلاحتی تهیه میشود تألیف و طبع کتابها را وزارت فرهنگ با مراعات اصول آموزش و پرورش و در نظر گرفتن ترتیب دینی و اخلاقی کودکان عهده دار خواهد بود.

**پیشنهاد آقای ثقة الاسلامی**

**پیشنهاد میکنم در ماده دوم در سطر اول عوض چهار سال شش سال نوشته شود و در آخر سطر سیم بعد از کلمه اخلاقی دیانتی اضافه شود.**

**پیشنهاد آقای انوار**

در تبصره ماده ۲ دو سطر و نیز مکلف است وسایل فراهم الی آخر حذف شود.

**پیشنهاد آقایان لیقوانی، ملک مدنی، ناصری، افخمی.**

**پیشنهاد میکنم ماده ۲ بشرح زیر اصلاح گردد.**

ماده ۲ - دوره تعلیمات ابتدائی اجباری شش سال است بر نامه تحصیلات و کتابهای دبستانی ب رعایت نقاط مختلف کشور ممکن است متنوع باشد تألیف و طبع کتابها را وزارت فرهنگ ب رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه ترتیب اخلاقی کودکان عهده دار خواهد بود در دهات و نواحی کشاورزی نصف بر نامه تحصیلات صرف آموزش عملی کشاورزی و معلومات مقدماتی صنعتی کشاورزی از قبیل نجاری و تعمیرات بدوی اسباب و آلات کشاورزی و غیره خواهد بود ممکن است این قسمت از تعلیمات بوسیله دبستانهای سیار داده شود.

در دبستانهای جنوب شاید صدی نود و صدی نود و پنج مبتلا بتر اخم هستند بایستی باین قسمت تراخم توجه بفرمایند این موضوع در شهرستانها البته مورد توجه بود ماست و یک دوره هم در مدت تعطیل تابستان برای آموختن معالجه تراخم کلاس تأسیس کردند ولی متأسفانه برای هر یک نفر معملی که این دوره را تحصیل کرده دوماه دوماه و نیم ماهی پنججاه ریال کمک خرج معین کرده اند در جنوب مخصوصاً بیشتر اطفال مبتلا به تراخم هستند بنده در بعضی دهستانها که رفتم بچشم خودم دیدم از هفتاد و شش نفر محصلی که در دبستان تحصیل میکنند هفتاد و چهار نفر مبتلا بتر اخم بودند فقط دو نفر سه نفر سالم بودند که در بین آنها باید مستهلك فرض کرد آن معلمین هم باینجه ریال حاضر نشدند این خدمت را بکنند البته پماد تراخم از بهداری فرستاده شده بود ولی وقتی که آنها قهر کردند دیگر این موضوع عملی نشد این است که بنده استدعا میکنم این قسمت را توجه بکنند برای اینکه همین قسمت تراخم چشم بچه ها جلو گیری بشود باز همینطور وزارت فرهنگ معلمین ابتدائی را در کلاس تراخم ببرند دوره دوماهه را بیاموزند و از این بیماری سختی که چشم بچه ها را کور میکند جلو گیری کنند.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - پیشنهادها قرائت میشود:

**پیشنهاد آقای سا کینیان:**

بمنظور اینکه آموزش و پرورش عمومی هر چه زودتر در تمام کشور جریان پیدا کند و سنگینی مخارج آن مانعی از توسعه آن در تمام کشور فراهم نیاید پیشنهاد میکنم ماده سوم اینجور اصلاح شود:

ماده سوم - آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی دهات و از برای اهالی کم بضاعت در شهرها در تمام کشور مجانی است و بهیچ عنوان نباید از این دانش آموزان وجهی مطالبه شود. پیشنهاد آقای دهستانی:

تبصره - برای اطفال زارعین دهات متحد الشکل بودن لباس مانعی نخواهد داشت.

**رئیس** - ماده سوم.

ماده ۳ - آموزش و پرورش در دبستانهای دولتی در تمام کشور مجانی است و بهیچ عنوان نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود.

**رئیس** - آقای طباطبائی

**طباطبائی** - عرض کنم که شما الآن از دبستانها چیزی نمیگیرید زمان وزارت فرهنگ مرحوم اعتماد الدوله قانونی از مجلس گذشته است و الآن شما یک دبستان دولتی نمیتوانید سراغ بدهید که باشد و اجازه داشته باشد از کسی پولی بگیرد باین جهت در کلیات هم عرض میکنم تجدید قانون بنظر بنده چیز زیادی است و اجازه بدهید که ماده سوم حذف شود **وزیر فرهنگ** - چون در جایی قید نشده است که تعلیمات در مدارس مجانی است فعلاً عمل بر این است که در دبستانهای دولتی پول نمیگیرند از بچه ها ولی اگر امر دائر بشود که عده دبستانها زیاد بشود برای اجرای این قانون شاید دولت مقتضی دید که پول بگیرد از این جهت است که قطعاً باید قید بشود والا برای دولت کاری ندارد که پول بگیرد و بچه ها را درس بدهد این است که در اینجا مخصوصاً قید شده است که باید مجانی باشد.

**رئیس** - آقای صفوی.

**صفوی** - همانطور که فرمودند آقای وزیر فرهنگ فرمودند البته ذکر این ماده خیلی بموقع است برای اینکه اگر هم تا بحال از دبستانهای ابتدائی شهریه گرفته نمیشد مربوط بآنهاست بوده است که دایر بوده است ولی آنهاست که الآن بموجب این قانون تأسیس میشود البته باید یک ماده در اینجا باشد که مجانی باشد بنده موضوع دیگر را خواستم توجه بدهم خدمت آقای وزیر فرهنگ که در درجه اول باید به بهداشت این دانش آموزان بیشتر توجه بشود تا قسمت تعلیماتشان. موضوع بهداشت البته باید خیلی توجه بهش کرد و مخصوصاً بهداشت اطفال را در دبستان و بهداشت چشم آنها را خیلی باید اهمیت داد در جنوب مخصوصاً اگر آقایان تشریف برده باشند بیشتر اطفال مبتلا به تراخم هستند

پیشنهاد آقای مجد ضیائی

آموزش و پرورش و کتب کلاسیک در تمام دبستانها در تمام مملکت مجانی است و بهیچوجه نباید از دانش آموزان وجهی مطالبه شود.

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود:

ماده ۴ - وزارت فرهنگ در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده اجباری بودن آنرا در فروردین ماه سال پس از صحنه ملوکانه اعلام مینماید.

رئیس - آقای سزاوار.

**سزاوار** - البته بنده هم نمیتوانم نسبت باین قانون که یکی از آمال و آرزوهای این کشور بوده تردیدی کنم فقط چیزی که هست بیشتر آمال ما روی کاغذ میآید و در موقع عمل دچار اشکال میشود ولی امیدواریم که در این مورد خاص همانطور که این لایحه آمده است در موقع عمل هم به منفعت کشور تمام شود بطوریکه افراد این کشور استفاده کنند. بنده یکی دو موضوع را خواستم در اینجا تذکر بدهم یکی این بود که البته این قانون را تصدیق میفرمائید که مکمل تعلیم و تربیت است در این مملکت و آن قسمت هائی که ما داریم الآن در دست ما هست مشغول هستیم آنرا بایستی بیشتر از پیشتر موافقت کرد بنده عرض میکنم به آقای وزیر فرهنگ که قسمت های اخلاقی در دبستانها و دبیرستانها کاملاً رعایت نمیشود و بنده اطلاع دارم حتی يك مورد خاص هم دارد که غالباً در دبستانها و دبیرستانها بچه ها با موهای زیاد و کراوات میآیند و سیگار میکشند در سر کلاس و این را تصدیق میفرمائید يك بچه که این کار را کرد بچه دیگر هم همینطور میکنند و رفته رفته این عمل مد میشود و بنده ممکن است آن دبیرستان را بطور خصوصی عرض کنم در صورتیکه ممکن است این دبیرستان بهترین دبیرستان پایتخت باشد و بنابراین حضورتان عرض میکنم آن دبیرستان جمشید جم است متعلق به زرتشتی ها و یکی از دبیرستانهای خیلی خوب است و واقعاً جهات اخلاقی و تعلیم و تربیت در آنجا رعایت میشود و بنده چون طفلی آنجا دارم و مطلع هستم از این جریان

که آنجا بوده است بطور خلاصه عرض کردم. این ماده اینجا نوشته است که اجباری بودن آنرا در فروردین ماه هر سال وزارت معارف اعلان میکند این باز يك اختیاری میدهد بوزارت فرهنگ که وزارت فرهنگ (البته من وزیر فرهنگ فعلی را عرض نمیکنم) ممکن است وزیر بعدی روی خاصه و خرجی برود این يك مسئله اساسی است تعلیمات اجباری به تناسب تقسیمات مملکت احتیاجات هر محل مخصوصاً شهرستانها و دهستانها این را باید در نظر گرفت و قسمت الا هم بالا هم شرط قضیه است برای اینکه ممکن است در بعضی شهرستانها دبیرستان داشته باشد و در سایر شهرستانها دبستان هم نداشته باشد و بنده اطلاع دارم همانطور که آقای دهستانی فرمودند در همین تفرش که ایشان اظهار کردند چهل هزار نفر جمعیت است غیر از ترخوران در سایر جا های آنجا دبستان ندارد این است که بنده پیشنهاد میدهم که در کمیسیون مورد توجه قرار بدهند که بطور عادلانه و تناسبی در نظر گرفته شود که هر سال که اعلان میشود در تمام کشور اگر هم نمیشود در تمام کشور سازمان بدهند بطور مختصر اینکار عملی شود

رئیس - آقای رضوی

**رضوی** - مدتی است که از طرف اغلب از نواحی کشور که متأسفانه از داشتن دبستان و دبیرستان محروم بوده اند پیشنهاداتی بوزارت فرهنگ کرده اند که حامل چند تا از آنها خود بنده بودم. اخیراً هر کدام که پیشنهاد می کردند آقای وزیر فرهنگ اجازه میفرمودند که اگر این لایحه عملی شد ممکن است تمام تقاضی ها را ما عملی کنیم بنده البته در ماده يك و دو يك توضیحاتی که از جهت آشنائی بوضعیت پیشنهادات آنها بود داشتم که البته مو کول به بعد شد ولی حالا در ماده چهارم میخواستیم عرض کنم آقا بعضی جاها هست که از حیث فراهم بودن وسایل و از حیث وجود جمعیت و نزدیکی دهات و کیفیت که بتوانند شاگردان در آنجا مشغول تحصیل بشوند بهتر است و هر سال هم خودشان يك کلاسهای آنجا ترتیب داده اند

آقدر که مشوق و احتیاج داشته اند از قسمت تحصیلات و يك مخارج مقدماتی هم کرده اند اینها لازم است که يك تشویقی از طرف وزارت فرهنگ نسبت به آن ها بشود عرض جانشان هم رسیده است تقاضای هایشان هم رسیده است اینها را مقدم بدارند اگر بنا شد بگوئیم در تمام مملکت بکنواخت اجرا بشود و در يك موقع عملی بشود این البته عملی نیست و آنوقت از طرف دیگر هم عرض میکنم وجهه تبعیض هم از نظر محل خاصی نمیشود قائل شد اعم از اینکه در يك دبستانی دبیرستان یا دبستان زیاد باشد یا کم باشد همین کیفیتی که خود ماده نوشته است در جاهائی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده در اینجور جاها البته يك طوری است که هم خود وزارت فرهنگ میخواهد این کار را بکنند مردم هم که اشتیاق دارند این است که بنده تصور میکنم که اصل ماده باقی باشد و وزارت فرهنگ هم که اهتمام دارد تمام این تقاضاها را انجام بدهد محالی را در نظر بگیرد که هر چه زودتر اجرا بشود بهترین ترتیب قانون همین است. این است که بنده تمیذانم که چرا در فروردین هر سال در نظر گرفته شده است بنده تصور میکنم باینکه مثلاً الآن که ماه دوم سال است اگر بنشیند این قانون تصویب بشود آنوقت چه مانعی دارد که از شهریور همین امسال شروع بکنند بنده تصور میکنم که این قانون سال پیش موقعی که هنوز سیال نگذشته بود در نظر گرفته شده است بنابراین وزارت فرهنگ در نظر داشته که از اول فروردین امسال شروع بکنند حالا که گذشته است فروردین برداشته شود و اول تابستان در نظر گرفته شود که از اول شهریور این عمل اجرا بشود.

**وزیر فرهنگ** - اینکه فروردین ماه گذاشته شده است

برای این است که چند ماه وزارت فرهنگ مجال داشته باشد برای اینکه مقدمات تأسیس مدارس را فراهم کند اما اینکه امسال استفاده نخواهیم کرد همینطور که تذکر دادند این لایحه چهار پنج ماه پیش تقدیم مجلس شده است و دلیلش این است ولی حالا هم اجباری نیست که بگذاریم برای شهریور

برای اینکه امسال بدبختانه نخواهیم توانست اجباری بودن تعلیمات را در هیچیک از نقاط کشور عملی کنیم فقط چیزی که ما میتوانیم بکنیم باین مشکلاتی که داریم در قسمت پول و سختی هائی که رئیس کل دارائی میکند برای پول در سال حاضر (و البته حق هم دارد عایدات خیلی کم است و مخارج زیاد) ما کاری که میتوانیم بکنیم و نقشه ای که داریم این است که در تهیه آموزگار و مربی امسال تمام وقتمان را صرف بکنیم و آموزگار تهیه بکنیم که کلاسهای اول دانشسرای مقدماتی را زیاد بکنیم، برای ساختن دبستان مناسب با آب و هوا در نقاط مختلف کشور کار بکنیم در قسمت برنامه امسال تهیه مقدمات خواهد بود و امیدوارم که برای سال بعد مقدمات این کار کاملاً فراهم شود که عملی بکنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای امیر تیمور.

اصلاح ماده چهار را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم.

ماده ۴ - در نقاطی که وسایل تعلیمات اجباری فراهم گردیده وزارت فرهنگ اجباری بودن آنرا در فروردین ماه هر سال پس از صحنه ملوکانه اعلام میدارد.

پیشنهاد آقای منشور.

ماده چهار - بعد از فروردین اضافه شود هر و خواننده خواهد شد هر سال.

رئیس - ماده پنج قرائت میشود.

ماده ۵ - در نقاطی که طبق ماده چهارم اعلام شده است اهالی مکلفند اطفال خود را که سنشان شش سال تمام باشد در شهریور ماه در دبستانها نام نویسی کنند هر گاه طفلی بواسطه بیماری نتواند دو موقع مقرر مشغول تحصیل شود ولی او موظف است او را بلافاصله پس از رفع نقاهت بدبستان معرفی نماید.

رئیس - آقای ثقة الاسلامی.

**ثقة الاسلامی** - بنده میبایستی در کلیات صحبت کنم متأسفانه نوبت به بنده نرسید باز در ماده دو خواستم صحبت



کنم نوبت به بنده نرسید عرض کنم چنانکه با آقای وزیر فرهنگ هم در کمیسیون تذکره دادیم و ایشان هم موافقت کامل داشته مقصود از تعلیم اجباری ظاهر سازی که نباید باشد باید آن مقصد و مقصودی باشد که ما منتظر آن هستیم و بعقیده یکی از رفقا که همیشه میگوید باندازه دولت حرف بزن من هم تصور میکنم که این صحیح باشد ملت و دولت ایران خصوصاً مجلس باید باندازه پولشان حرف بزنند من میخواهم استدعا کنم از آقایان اجازه بدهند یک قدری از سابقه حرف بزنم: در چندین سال قبل تقریباً بیست سال قبل اگر ملاحظه بفرمائید در تمام شئون مملکت پولهای گزافی خواه لازم باشد خواه نباشد بنده دیگر وارد نمیشوم در این موضوع حرفهای شده است که ما فوق طاقت ملت ایران بوده است و بدبختانه نمیدانم دیگر بواسطه حسن نیت بوده است یا بواسطه غفلت بوده است یا اینکه سوء نیت بوده است (بنده تصور میکنم سوء نیت بوده) که هیچ توجهی به بهداری و فرهنگ نشده است در حالیکه يك ملت زنده بودنش در روی دو اساس است یکی بهداری است و یکی فرهنگ اگر مملکت آدم نداشته باشد قشون نمیتواند داشته باشد و زارخانه نمی تواند داشته باشد تجارت نمیتواند داشته باشد در این باب هم آقایان ملاحظه خواهند فرمود که هیچ توجهی نشده است و بهیچوجه در این باب توجهی نشده است واقعاً ننگ آور است که يك ملت نمیدانم ده میلیونی میخواهید حساب کنید یا پانزده میلیونی میخواهید حساب کنید تفاوت ندارد اگر ده میلیون حساب کنید بهداری او در سال هر نفری سه قران میشود. آقایان حساب کنید آخر با سالی سه قران آب جوجه میشود بمردم داد؟ آب کثیف را هم نمیشود بمردم داد این سه قران به هیچ چیز نمیرسد این سه قران به سسمه و سرخاب و سفیداب هم نمیرسد آدم که هیچ پس ما باید باندازه پولمان حرف بزنیم آمدیم به معارف پانزده میلیون که صحبت میکنیم نفری يك تومان میشود اینجا بعضی از آقایان که صحبت میکنند میگویند چرا فقط مدارس ابتدائی را گفته است مجانی است و دبیرستانها هم که آنقدر خرج ندارد چرا آنها مجانی است؟ بنده میپرسم برای يك بچه خودشان

که بگذارند به دبیرستان ماهانه چقدر خرج میکنند؟ کمتر از صد تومان ماهیانه که نمیشود. اشخاصی هستند که میگویند که ماهی ۵۰ تومان ۶۰ تومان خرج این بچه میکنیم چطور میشود که دولت با این مخارج گزاف بتواند که هم دبیرستان درست کند هم دبستان درست کند هم کتاب چاپ کند و همه کار را به بکند اینها حرفهایی است که ما میگوییم ولی اساس و پایه ندارد. بنده از آقای وزیر فرهنگ استدعا میکنم که توجه بفرمائید يك کار اساسی بکنند. این عیناً مثل اینست که به بنده بفرمائید که بنده اعضای مجلس را که صد نفر میشوند با یکی دو تومان من میخواهم تمام آنها را به پول و خورش دعوت کنم البته این موجب امتنان ما است ولی ما آن پول را نخواهیم خورد و این چلو را نخواهیم خورد برای اینکه با آن ۲ تومان شما فقط آب سرد میتوانید بدهید این یکی یکی دیگر هم راجع با جباری. عرض کنم بنده با اجباری موافق هستم ولسی بدبختانه هر طور قانونی اینجا میگردد باز اسباب زحمت مردم میشود. ما روز جمعه با آقای وزیر کشاورزی رفته بودیم به ورامین مأمورین نظام وظیفه ریخته اند آنجا و ده هزار نفر مشمول را میخواهند بگیرند (روحی - آقا در ماده صحبت کنید) پس باید در این موقع هم آن اجباری را يك کاری بکنند که مردم در مضیقه نباشند اینجا در ماده پنجم نوشته شده.

ماده ۵ - در نقاطی که طبق ماده چهارم اعلان شده است اهالی مکلفند اطفال خود را که سنشان شش سال تمام باشد... الی آخر اولاً دبیرستانهایی را باید در نظر بگیرند که مثلاً برای آذربایجان... بنده يك چیز تازه و فوق العاده ای را میخواهم باقا عرض کنم که اصلاً آذربایجان تا آن روزی که به مدرسه میرود يك کلمه فارسی نمیداند پس این زبان فارسی برای او بدبختانه يك زبان خارجی است (رضوی - این تعبیر را آقای ثقة الاسلامی نفرمائید) بلی بنده میدانم تعبیر نیست آقا زبان خارجی هم نیست ولسی متأسفانه زحمت دارد و تمام این دبیرستان را در عرض این ۶ سال و ۱۲ سال تمام میکنند احتمال میرود که در دهات مشکلاتی باشد و از اینجهت نباید

مأمور و جریمه و اینها باشد. یکی دیگر اینکه وقتیکه مدرسه سالمندان برای اکل در دست کرده بودند بنده عرض کرده این سالمندان و این مخارجی را که میکنید ما در يك گوشه افتاده بودیم که بدبختانه اولیای امور به مانظری نداشتند و آن مواظبت و مراقبتی که بایستی در آموختن زبان مادری بشود و زحمت بکشند و خرج بکنند نکردند و آذربایجانها با وجود اینکه وسایل نداشتند و استطاعت نداشتند با وجود اینکه دولت وقت وسایل را برای آنها فراهم نکرد تمام جدیتشان را صرف کردند و فارسی را از حیث حرف زدنی را نمیدانم ولسی از حیث املاء و انشاء خوب تحصیل کرده اند و از سایر جاها بهتر می نویسند و خوب هم تحصیل کرده اند آقایان هم همه میدانید. عرض کنم این است که دولت باید بیشتر با آنها توجه داشته باشد که بیشتر محتاج هستند. باید آذربایجان و آذربایجان را بیشتر اهمیت بدهند و این زبانی را که بدبختانه با زور به گلوی ما چسبانده اند و ما را مجبور کرده اند که چندین سال حرف بزنی این را يك کاری بکنند دولت وقت که بکلی از یاد ما نرود و این نمیشود مگر با تشویق خود دولت. یکی هم مخارجی است که خود دولت باید در نظر بگیرد بنده باید يك چیزی عرض کنم که خود آقا هم اطلاع دارید که اغلب جاها مدارس ملی سطح تحصیلش از مدارس دولتی بالاتر است بجهت اینکه معلمین خوب دارد متصدیان خوب دارد رئیس خوب دارد. ولی تعجب خواهید کرد آقای فیاض در تبریز مدارس دولتی سطح تحصیلش و سطح اخلاقیش به مراتب از مدارس ملی بیشتر و بالاتر است و آنها که در مدارس دولتی در قسمت حکمت و اینها تحصیل کرده اند آنها ۳٪ یا ۲٪ ممکن است افت داشته باشند ولی در مدارس ملی صدی ۱۰ افت دارند. این است که بنده خواهش مندم که توجه مخصوصی خصوصاً با آذربایجان بکنند.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود: پیشنهاد آقای

امیر تیمور.

**رضوی** - آقا بنده اجازه خواسته بودم

**بعضی از نمایندگان** - کافی است مذاکرات

**رضوی** - این را باید توضیحات روشن داده شود نمیدانم چرا آقایان در حوصله حرف زدن ندارند  
**رئیس** - پیشنهاد آقای امیر تیمور  
پیشنهاد دیگر صبر آقا بنده پنج و تبصره ماده پنج حذف شود.

**رئیس** - پیشنهاد آقای امیر تیمور

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ در نظر اول بعد از کلمه چهارم اضافه شود «اجباری بودن تعلیمات الی آخر».

**رئیس** - پیشنهاد آقای شاهرودی

درست محترم مجلس

در ماده ۵ پیشنهاد مینماید در بعضی از سنش شش سال تمام به هفت سال تبدیل شود.

**روحی** - ختم جلسه آقا.

**۴- سؤال آقای نقابت و جواب آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی راجع به معامله چوب**

**رئیس** - آقای نقابت سؤال از آقای وزیر پیشه و هنر و بازرگانی سؤالی دارید؟

**نقابت** - عرض کنم (آقای امیر تیمور...) آقای افشار توجه کنید) استدعا میکنم توجه بفرمائید بنده يك سؤال از وزارت پیشه و هنر داشتم. در قبایل این سؤال قبل از اینکه آقای وزیر پیشه و هنر جوابی به بنده بفرمائید امروز صبح يك جوابی در روزنامه ها به بنده داده شد. گویا جواب آقای وزیر پیشه و هنر هم مثل این جوابی که حاجی مسکین به بنده داده است باشد حاجی مسکین کسی است که معامله چوب را با وزارت پیشه و هنر کرده است و بنده هم این موضوع را سؤال کردم. بنده حاجی مسکین را نمیشناسم کیست ولی ایشان يك جوابی به بنده داده است که در این جواب خیلی تعرض کرده است و تذکره داده است که فلانکس و کیل شرکت چوب است همه آقایان میدانید که بنده تاجر نیستم فلاح هم نیستم زارع هم نیستم و وکیل دادگستری هستم و افتخار میکنم که داشتن پروانه و کالت متضمن داشتن سوابق ممتد در خدمات قضائی و تحصیلات حقوقی است (صحیح است) بنابراین اگر بنده وکیل اصغر قاتل هم

که باشم اشکالی ندارد. گفته میشود بنده بصورت نطق در پارلمان خواسته ام نظریات خصوصی اشخاص را در مورد املاک و جنگلها اعمال کنم. آقا اینطور نبوده است.

**بعضی از نمایندگان** - آقا اول سؤال را بفرمائید.

**نقابت** - سؤال بنده این است که وزارت پیشه و هنر يك قراردادی می بندد با دو سه نفر که یکی از آن ۲ یا ۳ نفر حاجی مسکین است.

**معدل** - آقا استدعا میکنم تکرار بفرمائید که متوجه بشویم.

**نقابت** - عرض کردم يك قراردادی وزارت پیشه و هنر می بندد با ۳ یا ۲ نفر که یکی از آنها حاجی مسکین است. بموجب این قرارداد ۲۰۰ هزار دانه چوب برای قنداق تفنگ میخورد. چوب را میخورد هر دانه ۶ تومان که وزارت پیشه و هنر چوب خریداری شده را بدهد به قورخانه ایران که قورخانه ایران قنداق تفنگ بسازد. ۲۰۰ هزار دانه فروخته است دانه ای ۶ تومان و حال اینکه همین قورخانه چوب خریده است برای قنداق تفنگ صد هزار دانه دانه یکتومان فرض کنید که ترقی قیمت حاصل شده و صد درصد ترقی کرده باشد میشود ۲ تومان یا خیر شده باشد ۳ تومان یا ۴ تومان ولی چرا ۶ تومان خریداری شده است؟ قنداق تفنگ آقایان میدانند چقدر چوب میخواهد کارخانه میخواهد خرج میبرد ساختن آن فقط آن تیکه چوب را خریده اند به ۶ تومان... (منشور - تاریخش را بفرمائید) تاریخش سه چهار ماه پیش است. عرض شود چندی قبل هم ۳۰۰۰ متر نخته خرید شده است از قرار متری ۳۰۰ تومان و بعد از سؤال بنده از ایشان در جریان گویا رفته اند و يك تخفیفی گرفته اند نخته را همه آقایان میدانید که خیلی که گران بشود با وجود عدم وسائط نقلیه متری سیصد تومان نیست. پس ۳ هزار سیصد تومان میشود ۹ میلیون ریال و دوست هزار قنداق تفنگ دانه ۸ تومان میشود يك میلیون و دوست هزار تومان که جمع میشود دو میلیون و صد هزار تومان و با این اختلاف قیمت تقریباً ۱۴ میلیون ریال

خواهش میکنم در وزارت راه هم بیشتر دقت کنند که این اعمال دیگر تکرار نشود. خواهش میکنم که آقای وزیر اگر بنده اشتباهی کردم بفرمایند و بعد از فرمایش ایشان بنده باز يك توضیحی خواهم داد و همینطور که عرض کردم خواهش میکنم که پرونده این موضوع را بفرستند بکمیسین داد گستری تا مطالعه بشود.

**وزیر پیشه و هنر ( آقای بدر )** - عرض کنم بنده البته نسبت به موضوعی که در سؤالی که آقای نقابت کرده اند و از طرف مجلس به بنده اطلاع داده شده است جواب عرض میکنم البته در موضوعی که مسکین نامه در روزنامه نوشته است وارد نمیشویم زیرا به این قسمت مربوط نیست. عرض کنم در آواخر سال گذشته در اسفند احتیاجی بيك مقدار چوب برای وزارت پیشه و هنر پیدا شد برای ساختن قنداق تفنگ. در آن موقع يك قدری وقت تنگ بود یعنی چوب را قاعده میبایستی قبل از بهار بریده باشند و بعد از اینکه چوب باز شد اگر آنرا بریزند آن چوب بدر نمیخورد این بود که در اندازه مربوطه اش صلاح دانستند که این چوب خریداری بشود. طریق خرید چوب این طور است که میروند و قیمت چوب را میپرسند و روی آن يك استعلامیه میدهند کسی که کمتر قیمت داد آنرا ملاک قرار میدهند و معامله را انجام میدهند. این کار هم همین جور شده است یعنی رفته اند از بيك عده چوب فروش استعلامیه گرفته اند و آن کسی که معامله کرده است حداقلی است که نسبت بديگران پیشنهاد داده است. آقای نقابت يك ارقامی را در سؤال خودشان مرقوم فرموده اند و الآن هم تکرار فرمودند و نتیجه گرفتند که ۱۴ میلیون ریال خسارت وارد آمده است. بنده عرض میکنم اینطور نیست برای اینکه نه خرجی که در این معامله شده است آنقدر است و نه قیمتی که در قرارداد هست. بنده عرض میکنم الوار برای قنداق تفنگ صد هزار تا است در صورتی که ایشان فرمودند دوست هزار. قیمت آنرا فرمودند که ۶ تومان بوده است در صورتیکه ۴۵ ریال و ۵۰ ریال بوده

است. نخته هم که سه هزار متر مکعب بوده است همین طور ۳ هزار متر درست بوده است ولی ۳ هزار ریال نبوده است و ۲۵۰۰ ریال بوده است که مجموع این معامله روی همرفته اگر تمامش را به این ترتیب حساب کنیم ۱۲ میلیون ریال میشود حالا چطور شده است از ۱۲ میلیون ریال معامله ۱۴ میلیون ضرر بوده است چه عرض کنم؛ اینکه میفرمائید این یکی از معاملات است و باز هم هست و فرمودند که بنده بعد از سؤالی که کردم تخفیفی داده شده است این را بنده جداً تکذیب میکنم. این را بنده رسیدگی کردم و قراردادی هم که در آن تاریخ بسته شده همین قیمت است که عرض کردم و بهیچوجه تخفیفی داده نشده است نه در موضوع مقدار و نه در قیمت... (روحی - چرا مناقصه رعایت نشده است؟) این را عرض میکنم خدمتتان عرض کنم طرز عمل مربوط به این چوب روی استعلامیه بوده است و یکماه و نیم بعد از امضای این قرارداد يك شخص يك تلگرافی به بنده داد که من حاضریم که این معامله را با ۲۵ درصد تخفیف انجام بدهم. خوب ۲۵ درصد تخفیف نسبت به ۱۲ میلیون خیلی میشود بنده فوراً شروع کردم به تحقیقات که این کی است و وضعیت او چطور است میتواند این معامله را بکند یا نمیتواند این کار را بکند بعد که آمدند دیدیم که يك تاجر چوب فروش است ولی فعلاً چوب ندارد و هیچ تاجری نمیتواند این مقدار چوب داشته باشد. اول باید اجازه قطع آنها داده بشود. این هم نداشته است و من از او پرسیدم که خوب حالا که شما چوب ندارید چه خواهد شد؟ او گفت بهتر این است که آن اجازه قطعی را که شما بآن شخص اول داده اید آن اجازه را از او بگیرید و بمن بدهید. بعداً من فکر کردم که خوب اگر بنا باشد او چوب را قطع کند و ما آنرا برای دولت بگیریم چرا خودمان قطع نکنیم؟ بعلاوه يك اجازه قطعی داده ایم و اینکه چقدر خریده است و چه کار کرده است و چقدر آورده است اینها يك چیزهایی است که نمیشود رسیدگی کرد و اگر باسناد او مراجعه کنیم شاید يك

مبلغی بگوید که عملی نباشد اگر روی رسیدگی برویم شاید باز عملی نباشد و ما فقط از این رقابتی که ایجاد شده است این استفاده را خواهیم کرد که یا آن شخص اولی معامله را با همین مبلغ قبول کند یا اینکه بحسابش رسیدگی کنیم به بینیم حسابش چی است. اگر این حسابش باین اندازه تخفیفی که میگوید ۲۵ درصد میشود کمتر باشد البته باید اونفع عادلانه خودش را ببرد و بقیه اش مال دولت باشد ولی اگر معلوم بشود که حقیقت این است که خیر این ۲۵٪ باصطلاح یک چوبی است که خواسته است توی چرخش بکند این موضوع دیگری است و پس از رسیدگی معلوم خواهد شد. ولی این راهم عرض کنم این تجربه را که خود بنده دارم این است که هر معامله ای را که امروز در این شهر بکنید چه در خرید و چه در فروش وقتی که معامله واقع میشود فوراً یک شخص دیگری پیدا میشود که آن معامله را کمتر یا بیشتر انجام دهد این همیشه مرسوم بوده است و باز هم هنوز رسم است. حالا این هم بعد از یک ماه و خورده ای آمدن و این معامله را کردن. حالا بنده عرض میکنم ممکن است این قیمتی را که ما از این شخص خریدیم کمتر باشد اما این دلیل نیست حالا که این آدم این پیشنهاد را داده است آن زمان قیمت کمتر بوده است. چون در مدت یکماه و نیم همه چیز تنزل کرده است. این بود کلیه عرایض بنده و البته (بعضی از نمایندگان - راجع به مناقصه هم بفرمائید) عرض شود راجع به مناقصه این قسمت بخصوص را بموجب یک قراردادی مجبور بودند که فوراً مشغول کار بشوند و مطابق آنچه که عرض کردم بایستی این چوب در اسفند تهیه بشود و اگر یک یک قدری دیرتر میشد باز میشد و خاصیتش از بین میرفت یعنی فاق میگرفت و ترک میخورد این بود که برای اینکار بموجب موافقتی که وزارت دارائی کرد و تصویب نامه ای که از هیئت وزراء صادر شد پیشنهاد اینها رفت به وزارت دارائی و بعد موافقت شد که فقط از چوب فروشها یک استعلامیه بگیرند و روی آن استعلامیه خرید کنند این اصل

قضیه است. حالا بنده عرض کردم از این پیشنهادی که رسیده بود برای یک ربع تخفیف البته همان شخص هم با آقای نقابت رجوع کرده و این مطالب را بایشان گفته است ما از این قسمت یک استفاده ای میکنیم به این طریق که وارد قضیه خواهیم شد تا به بینیم اگر حقیقتاً از قراردادی که بسته است خواسته است فایده گزافی ببرد که جلوی ما را خواهیم گرفت **نیل سمیعی** - آقا این تصویب نامه چوب از پنج هزار تومان بیلا است برخلاف قانون است.

**وزیر پیشه و هنر و بازرگانی** - قیمتی که باید خریداری شود قرار شد در خود اداره یعنی از طرف هیئت بازرسان اداری هم رسیدگی شود که ۴ یا ۵ نفر از وزارتخانه ها تعیین شده است از طرف دولت که بکارهای اداری رسیدگی کنند و بنده از آنها خواهش میکنم که اصل دوسیه را هم از جنبه اداری رسیدگی کنند.

**روحی** - آن هیئت را وسیله کارشان را فراهم نکرده اند و الی الابد هم مشغول نخواهند شد.

**وزیر پیشه و هنر و بازرگانی** - خیر مشغول کار شده اند و وسائل کار آنها راهم تعیین کرده اند و باین کار هم رسیدگی خواهند کرد. همینقدر عرض میکنم که از هیچ چیزی فروگذار نخواهد شد اگر به بینیم که اینجا قیمت بالا برده رسیدگی میکنیم و تحقیق میکنیم و اگر یک قصور اداری هم شده است مرتفع خواهد شد.

**رئیس** - آقای نقابت.

**نقابت** - اولاً اصل موضوع تصدیق شد و ثانیاً تصدیق شد که مناقصه بعمل نیامده است. بنده در سؤال خودم عرض کردم که این عمل که شده است بامضای جمعی در دوسیه گذاشته شده اگر من گفته ام که قیمت چیست این موضوع باید با امضای من باشد در دوسیه. حالا معلوم شد که مناقصه هم بعمل نیامده است و طبق یک تصویب نامه ای این عمل شده است و این البته برخلاف قانون است و بایستی حتماً مناقصه بعمل بیاید بر طبق قانون. اما اینکه فرمودند در خرید چوب عجله داشته اند و باید که قبل از بهار ریخته شود این یک اشتباه

کنیم و الا سؤال منجر باستیضاح خواهد شد.

**جمعی از نمایندگان** - ختم جلسه.

**انوار** - لایحه پیشیز را مطرح کنید.

(۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

**رئیس** - دو تا لایحه است که خیلی محل حاجت است یکی لایحه اعتباری است که وزارت جنگ خواسته است و یکی هم لایحه راجع به پول خردی که این را در دستور جلسه آینده قرار میدهم (صحیح است) و اگر اجازه بفرمائید در جلسه آتی اول وقت جزء دستور بشود که تمام شود. اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) **جلسه آتی روز سه شنبه ۴ ساعت قبل از ظهر. دستور هم لوابحی که گفته شد.**

(مجلس ۲۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری**